

## نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت زندگی شهری

بهنام احمدزاده<sup>۱</sup>

کارشناس ارشد شهرسازی

negahdary\_h@yahoo.com

## چکیده

ارتقاء کیفیت زندگی شهری هدف مهم بسیاری از برنامه ها و اقدامات و سیاست های شهری می باشد و به عنوان شاخصی برای نقش و نظارت بر عملکرد مدیران و تصمیم گیران شهری تبدیل شده است. وجود مشکلاتی مانند ضعف وسایل حمل و نقل، اقتصاد یا درآمد، اتلاف وقت شهرنشینان در ترافیک، فرصت های کم و موقعیت های شغلی نامناسب، آسیب های اجتماعی، آلودگی ها، تغذیه ناسالم، کمبود فضاهای سبز و ورزشی، کمبود امکانات فرهنگی و اجتماعی، کمبود امنیت و... زندگی در شهرها را با مشکلات عدیده ای مواجه نموده است و لزوم توجه به ارتقای کیفیت زندگی در شهرها بیش از گذشته نمایان است. لذا در این مقاله سعی بر آن است که به نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان از طریق مطالعات کتابخانه ای پرداخته شود و به یک ارزیابی مطلوب در این زمینه پژوهش برسیم.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری، ارتقاء، کیفیت زندگی و شهر

## مقدمه

## بیان مسئله

با رشد فزاینده جمعیت در شهرها و به دنبال آن افزایش مشکلات و مسائل ناشی از شهرنشینی در ابعاد وسیع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی لزوم ایجاد و استفاده از بسترهای مدیریت شهری احساس می شود. رشد سریع شهرها و پیشی گرفتن آن از توانایی ها و منابع مدیران شهری، ارائه خدمات شهری مناسب را برای مدیران شهری به یک چالش عظیم تبدیل نموده است. گستردگی و پیچیدگی مسائل شهری و رشد و توسعه روز افزون شهرها، مدیریت امور شهر را به وظیفه های دشوار تبدیل نموده است (حلاجیان و امین شاد، ۱۳۹۴، ۳۹۸).

نگاه کالبدی- کارکردی برنامه ریزی ها به ابعاد و جنبه های مختلف زندگی در گذشته سبب شده که از اواخر دهه ۱۹۶۰ تحت تاثیر نیازها و آگاهی های جدید مفاهیم اجتماعی نوین مثل رفاه اجتماعی، کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی در قلمرو برنامه ریزی و توسعه عمومی مطرح شود (مهدیزاده و دیگران، ۱۳۸۵، ۳۰۱). با رواج و کارکرد این مفاهیم در جهت دستیابی به معیارهای کیفی در مطلوبیت کیفیت محیط های شهری، دخالت دادن فاکتورهای

محیطی، فرهنگی- اجتماعی و روانی به عنوان اصلی ضروری مطرح شد. البته در یک دید جهانی وقوع بحران های زیست محیطی و نابود شدن محیط زیست جهانی در طرح موضوع کیفیت محیط به عنوان بخشی از مفهوم همه جانبه کیفیت زندگی بی تاثیر نبود (van pool, 1997, 1).

کیفیت زندگی، واژه ای پیچیده، چند بعدی و کیفی در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت، در یک مقیاس جغرافیایی خاص (شهر، منطقه، محله و...) است که هم متکی به شاخص های ذهنی یا کیفی و هم متکی به شاخص های عینی یا کمی است. ارتقاء برنامه ریزی شهری از نگاه صرف کالبدی- کارکردی به نگاه چند بعدی و چند وجهی در قالب در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی، روانی، کیفی و اقتصادی در تعامل و کنش متقابل با ابعاد کالبدی- کارکردی، یکی از نتایج توجه به مفهوم کیفیت زندگی شهری در عرصه جهانی بوده است (شیخ الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۱، ۹۹).

کیفیت زندگی، یکی از چارچوب های نظری مورد قبول در بررسی شرایط زندگی جوامع مختلف به شمار می رود. کیفیت زندگی، وضعیت فرد یا افراد یک جامعه را با توجه به عوامل برون زایی نظیر فناوری تولید، زیر ساخت ها، روابط اجتماعی، نهادهای اجتماعی، محیط زیست و مانند آنها تحت تاثیر قرار می دهد. بطور کلی، کیفیت زندگی، علاوه بر مسائل اقتصادی، نگرانی های اجتماعی و محیط زیست را نیز مدنظر قرار می دهد (باسخا و همکاران، ۱۳۸۹، ۹۶).

نگاهی به روند رشد جمعیت ایران طی دهه های اخیر گویای رشد شدید جمعیت مناطق شهری در مقایسه با مناطق روستایی است. درصد جمعیت شهری ایران از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۱/۴ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است (مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۰). این افزایش جمعیت در کنار ناکار آمدی های حوزه مدیریت شهری و مدیریت کلان کشور در برنامه ریزی و هدایت اقتصاد زمین و مسکن شهری، روند توسعه فضایی- کالبدی شهرهای ایران را با نابسامانی های متعددی روبه رو ساخته است (حسینی و همکار، ۱۳۹۴، ۳۵).

با توجه به اینکه نقش مدیریت شهری در هر شهری می تواند تاثیرات متفاوتی را در کاهش اثرات زیانبار پراکنده روی شهری به همراه داشته باشد. در این پژوهش سعی بر آن است تا حد امکان